

بررسی اعمال نفوذ ناروا و اثر آن بر معاملات در حقوق انگلستان و مقایسه آن با حقوق ایران

۱

دکتر حیدر حسن زا

چکیده

اعمال نفوذ ناروا در حقوق انگلستان همانند اکراه عیب رضا است و به سه نوع تقسیم می‌شود: اعمال نفوذ ناروای واقعی، اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع اول (روابط خاص مثل والدین و فرزندان)، اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع دوم (روابط مبتنی بر اعتماد واقعی مثل زن و شوهر) در اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع اول و دوم آشکارا زیان بار بودن معامله شرط تحقق آن است. اثر اعمال نفوذ ناروا بر معامله در حقوق انگلستان، قابل ابطال بودن قرارداد است. از آنجاکه مقررات اکراه ما سنتی است و جوابگوی نیازهای امروزی نمی‌باشد و از سوی دیگر اضطرار نیز موجب بی اعتباری عقد نیست؛ لذا پیشنهاد می‌شود که مقررات اکراه و اضطرار ما اصلاح گردد و از تجربیات کشورهای دیگر من جمله حقوق انگلستان استفاده شود ولی از آنجا که تا کنون این اصلاحات انجام نشده است ما در این مقاله در صدد برآمدیم تحت عنوان معاملات اضطراری اکراهی، دایره اکراه را گسترش داده و دایره اضطرار را محدود نماییم. فی ما بین معاملات اضطراری اکراهی در حقوق ایران و اعمال نفوذ ناروا در انگلستان علیرغم وجود تفاوت‌های ماهوی، تشابهاتی نیز وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: اکراه، اعمال نفوذ ناروای واقعی، اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع اول، اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع دوم، قابل ابطال بودن، اضطرار، انصاف، معاملات نامعقول، حقوق شخص ثالث.

«اعمال نفوذ ناروا»^۲ تأسیس و نهادی است که در حقوق ایران یافت نمی‌شود و در هیچ يك از متون قانونی و فقهی و آرای دادگاه‌ها به چشم نمی‌خورد. ولی در حقوق انگلستان مورد بررسی دادگاه‌ها و حقوقدانان انگلیسی قرار گرفته است. ما در جهت پرکردن خلاء مذکور در حقوق ایران، اضطرار را نیز مورد بررسی قرار داده و از آنجا که اضطرار در حقوق ایران موجب عدم نفوذ یا بطلان معاملات نیست، معاملات اضطراری اگرایی را مورد بحث قرار داده‌ایم و معاملاتی را که در قالب اکراه قانون مدنی ایران نمی‌گنجد و از سوی دیگر قرار دادن آن در قالب اضطرار موجب بی‌اعتباری معامله نمی‌شود، در قالب اضطرار اگرایی قرار داده‌ایم تا بتوان آنرا به اکراه ملحق نمود و همچنین با معرفی نهاد اضطرار اگرایی و گسترش دایره اکراه و محدود نمودن دایره اضطرار در صددیم که نقص قانون مدنی در باب اکراه و اضطرار را برطرف نماییم. در حقوق انگلستان اضطرار در باب قراردادهای به‌عنوان یکی از طرق بی‌اعتباری معاملات محسوب نمی‌شود و نهاد اضطرار در باب مسئولیت مدنی بحث شده است؛ لذا در این مقاله نیاز به بررسی اضطرار در معاملات در حقوق انگلستان نیست.

در حقوق انگلستان از آنجا که اکراه سنتی در واقع کمتر اتفاق می‌افتد لذا نفوذ ناروا را در جهت اعطای جبران خسارت به زیان‌دیدگان ایجاد نموده و گسترش داده‌اند؛ لذا بررسی نهاد اعمال نفوذ ناروا در حقوق انگلستان می‌تواند راهگشای قانونگذاران و محاکم و حقوقدانان ما در جهت رفع نواقص حقوقی خودمان باشد.

نهاد اعمال نفوذ ناروا توسط دادگاه‌های انصاف در حقوق انگلستان ایجاد شده است و در کتب حقوقی انگلستان و آرای دادگاه‌های این کشور به تفصیل در مورد این نهاد حقوقی بحث و بررسی صورت گرفته است. ولی چنین نهادی در حقوق ایران وجود نداشته و ندارد؛ لذا بررسی همزمان این دو نهاد در این مقاله محال و غیر ممکن است؛ لذا ما در فصل اول، معامله ناشی از اعمال نفوذ ناروا در حقوق انگلستان را بررسی خواهیم نمود و در فصل دوم سعی خواهیم نمود تا آنجا که قوانین ما اجازه می‌دهد، ارتباطی بین اعمال نفوذ ناروا در حقوق انگلستان با اکراه و اضطرار اگرایی در حقوق ایران پیدا نماییم.

هم‌چنین در فصل اول در صددیم که معاملات نامعقول^۳ در حقوق انگلستان را که اغلب در کتب حقوقدانان انگلیسی به‌علت تشابه فراوان آن با اعمال نفوذ ناروا در مبحث اعمال نفوذ ناروا مورد بررسی قرار گرفته است، مورد تحلیل حقوقی قرار دهیم و رابطه آنرا با اضطرار و اضطرار اگرایی در حقوق ایران روشن سازیم. دادگاه‌های انگلستان در جهت پرکردن خلاء مذکور نهاد اعمال

فصل اول: اعمال نفوذ ناروا و اثر آن بر معامله در حقوق انگلستان

در این فصل اعمال نفوذ ناروا در حقوق انگلستان و اثر آن بر معاملات در حقوق مزبور در چهار مبحث مورد بررسی قرار خواهد گرفت که در مبحث اول مفاهیم و تعاریف اعمال نفوذ ناروا، در مبحث دوم موارد اعمال نفوذ ناروا، در مبحث سوم معاملات نامعقول در حقوق انگلستان و در مبحث چهارم این فصل اثر اعمال نفوذ ناروا بر معاملات و موانع آن در حقوق انگلستان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مبحث اول: مفاهیم و تعاریف

این مبحث شامل دوگفتار بوده که درگفتار اول مفهوم اعمال نفوذ ناروا اعم از لغوی و اصطلاحی و درگفتار دوم جایگاه انصاف در حقوق انگلستان مورد بررسی قرار گرفته است

گفتار اول: مفهوم اعمال نفوذ ناروا:

بند اول - مفهوم لغوی:

^۲. Undue Influence

^۳. Unconscionable Bargains.

عبارت «Undue Influence» در لغت از دو کلمه تشکیل شده است که معنی لغوی «Undue» به معنی زاید و بی جهت، غیر ضروری، ناروا، نامشروع، ناحق، موعد نرسیده و زیاده می‌باشد. (Hornby AS & Ruse Christina, ۱۹۸۸, p ۶۸۴).
۱۹۸۸. Ruse Christina, حیییم سلیمان، فرهنگ انگلیسی، فارسی، ۱۳۷۳، ص ۷۵۶، رضانی نوری محمود، فرهنگ حقوقی مدین، انگلیسی، فارسی، ۱۳۸۰، ص ۷۶۲، فرهنگ حقوقی مجد، انگلیسی، فارسی، ۱۳۷۸، ص ۵۴۵). و معنی لغوی «Influence»، نفوذ، اعتبار، تأثیر، تفوق، تحت نفوذ خود قرار دادن، تحت تأثیر خود قرار دادن می‌باشد. (Hornby AS & Ruse Christina, op.cit.P۳۲۸). حیییم سلیمان، فرهنگ انگلیسی، فارسی، همان منبع، ص ۳۱۲ و رضانی نوری محمود، فرهنگ حقوقی مدین، همان منبع، ص ۳۷۶ و فرهنگ حقوق مجد، انگلیسی، فارسی، همان منبع، ص ۲۷۱).

لذا معنی لغوی عبارت Undue Influence، اعمال نفوذ ناروا، سوء استفاده از نفوذ خود، اختلاس از راه اعمال نفوذ می‌باشد. (حیییم سلیمان، فرهنگ انگلیسی، فارسی، همان منبع، ص ۳۱۲، فرهنگ حقوقی مدین، انگلیسی، فارسی، همان منبع، ص ۳۷۶، فرهنگ حقوقی مجد، انگلیسی، فارسی، همان منبع، ص ۲۷۱).

بند دوم - مفهوم اصطلاحی:

مفهوم اصطلاحی اعمال نفوذ ناروا از مفهوم لغوی آن دور نیفتاده است و عبارت است از: «نفوذی که شخصی را از اعمال نمودن اراده و نظر مستقل در خصوص هر معامله جلوگیری می‌کند. یک قرارداد یا هبه ناشی از اعمال نفوذ ناروا در معرض ابطال بوسیله دادگاه‌هاست. بکار بردن اعمال نفوذ ناروا بایستی معمولاً به‌طور قاطع و محکم اثبات شود. باید اثبات شود که معامله یا قراردادی هست که در آن یک امتیاز ناعادلانه از شخص دیگر گرفته شده است در مورد روابط خاص (برای مثال بین والدین و فرزند - شوهر و همسر - دکتر و مریض - وکیل و موکل) در فقدان دلیل مخالف اعمال نفوذ ناروا فرض می‌شود که اعمال شده است و بانکها باید به همسران برای کسب مشاوره مستقل و شایسته پیش از رهن گذاشتن خانه خانواده به دستور شوهر دیگر برای وامهای تجاری مشاوره دهند.» (Martin, ELLIZABETH., ۱۹۹۷, p ۴۸۱).

اصطلاح اعمال نفوذ ناروا بوسیله دادگاه‌ها برای توصیف نظریه انصافی اجبار بکار می‌رود که این نظریه شامل انواع فشاری است که نسبت به اکراه غیر مستقیم تر و غیر مهم تر می‌باشد و اعمال نفوذ ناروا هنگامی تشکیل می‌شود که یکی از طرفین به طرف دیگر اعتماد یا وابستگی دارد و شخص مقابل بر اثر این اعتماد و وابستگی، بر روی طرف مقابل نفوذ خود را اعمال می‌نماید که این نفوذ کاملاً بخودی خود طبیعی و صحیح است اما به‌طور نا عادلانه‌ایی اعمال می‌شود. (Beatson, J, ۱۹۹۸, p ۲۷۸).

تئوری اعمال نفوذ ناروا که بوسیله دادگاه‌های انصاف توسعه یافته، مشمول مواردی است که اکراه تلقی نمی‌شود اما یکی از طرفین نفوذ قوی بر روی طرف دیگر دارد و از موقعیت برتر خود برای وادار نمودن طرف دیگر برای انعقاد قرارداد زیانبار، سوء استفاده می‌کند. بنابراین درحالی‌که اکراه به شخصی که رضایت ظاهری اش بوسیله تهدید نامشروع حاصل شده، جبران خسارت می‌دهد. در اعمال نفوذ ناروا سوء استفاده از اعتماد مطرح است. (Blum Brian A, Contracts - Examples And Explanations, Second Edition, Aspen Law & Buisness, London, ۲۰۰۱, p ۳۶۴).

با ملاحظه موارد فوق معلوم می‌گردد که در اعمال نفوذ ناروا همانند اکراه رضایت و اراده شخص آسیب می‌بیند ولی غیر از مورد بالا در دیگر موارد اعمال نفوذ ناروا با اکراه متفاوت است که عبارتند از:

- ۱- اکراه توسط کامن لا ایجاد شده است درحالی که اعمال نفوذ ناروا توسط نهاد انصاف تشکیل و تکامل یافته است.
- ۲- در اعمال نفوذ ناروا تهدید وجود ندارد درحالی که در اکراه همیشه تهدید هست.
- ۳- در اعمال نفوذ ناروا بین طرفین در بعضی موارد روابط خاصی مثل رابطه فرزند و والدین، پزشک و مریض و غیره هست.
- ۴- در اعمال نفوذ ناروا طرف قوی از موقعیت برتر خود برای انعقاد قرارداد سوء استفاده می کند.
- ۵- در اکثر موارد در اعمال نفوذ ناروا شخص اعمال نفوذ کننده در صدد کسب امتیازی است.

گفتار دوم: جایگاه حقوق انصاف در حقوق انگلستان

بند اول - مفهوم لغوی:

کلمه «Equity» در لغت به معنای انصاف، عدالت، دادگستری، عدل، احقاق حق بر مبنای انصاف، دارایی خالص، مایملک شرکاء، سرمایه، بی طرفی، بی غرضی، تساوی حقوق، سهم متعارفی، یک سلسله قواعد حقوقی انگلیسی که علاوه بر قوانین عادی برای اجرای عدالت به حکم انصاف و وجدان تنظیم شده است. (Hornby AS & Ruse Christina, op.cit. p ۲۱۳. حیم سلیمان، فرهنگ انگلیسی، فارسی، همان منبع ص ۱۸۹ فرهنگ حقوقی مدین، انگلیسی، فارسی ص ۲۶۴ فرهنگ حقوقی مجد، انگلیسی، فارسی همان منبع ص ۱۸۸)

بند دوم - مفهوم اصطلاحی:

کامن لا که در رابطه نزدیک با آیینهای دادرسی تشریفاتی به وجود آمده است، در معرض دو خطر قرار داشت: یکی ناتوانی در گسترش، با آزادی کافی، برای رفع نیازهای زمان. دومی تحجر و رکود ناشی از محافظه کاری و کهنه گرایی حقوقدانان. کامن لا از هیچ یک از این دو خطر برکنار نماند و از این رو با مشکل بسیار بزرگی مواجه شد که عبارت بود از شکل گرفتن نظامی رقیب که به تدریج جای کامن لا را می گرفت و آن را کنار می زد. این رقیب که اکنون باید از آن سخن بگوییم **انصاف** است. (رنه داوید، نظامهای بزرگ حقوقی معاصر، ترجمه صفائی، سیدحسن، انصاف مجموعه راه حل هایی است که اصولاً در قرنهای پانزدهم و شانزدهم، به وسیله دادگاه مهرداری سلطنتی برای تکمیل و احیاناً اصلاح نظام کامن لا که در آن زمان ناقص و نارسا بود ارائه شد. و علت ایجاد انصاف این بود که نظام کامن لا بد کار می کرد یعنی دادگاههای شاهی نمی توانستند به دعوی رسیدگی کنند یا نمی توانستند راه حل مناسبی را که خواهان درخواست می کرد، ارائه دهند، یا امکان هدایت دادرسی به گونه ای مناسب را نداشتند یا به حکمی که خلاف انصاف بود می رسیدند، افراد به موجب افکار قرون وسطی، می توانستند مداخله شاه را درخواست کنند و با استناد به دستورهای وجدان از او بخواهند که برای تسهیل جریان عدالت تصمیمی بگیرد، یا راه حلی را که مقتضای عدالت است تحمیل کنند و دخالت او در مواردی که تکنیک حقوقی عیب داشت مشروع بود. (همان منبع، ص ۳۳۷).

مبحث دوم: موارد اعمال نفوذ ناروا

در طبقه بندی مقوله های متفاوت اعمال نفوذ ناروا بایستی ذکر شود که اعمال نفوذ ناروا می تواند یا واقعی یا فرضی باشد. در پرونده BccI V. Aboody, Cited In: Richards. Paul H, QB9۲۳ (۱۹۹۰) ۱۹۹۹, p ۲۱۲. دادگاه پژوهش طبقه بندی زیرین را پذیرفته است.

طبقه اول: اعمال نفوذ ناروای واقعی

طبقه دوم: اعمال نفوذ ناروای فرضی که این طبقه به دو نوع تقسیم می‌شود.

از آنجا که این طبقه‌بندی در پرونده‌های مهم^۴ (ایجاد سابقه قضایی می‌کند) O'brein و Pitt نیز پذیرفته شده است؛ لذا مفید است اگر این موضوع بوسیله ارجاع به طبقه‌بندی «Aboody» بحث شود. (Richards. Paul H, op.cit, p ۲۱۲).

گفتار اول: اعمال نفوذ ناروای واقعی:

در اعمال نفوذ ناروای واقعی بایستی به طور قاطع اثبات شود که یک طرف در حقیقت بر روی طرف دیگر اعمال نفوذ را اعمال کرده است و بنابراین قرارداد منعقد شده والا قرارداد منعقد نمی‌شد. دادگاه‌ها هرگز تلاش نکرده‌اند تا با دقت، اعمال نفوذ ناروا را تعریف نمایند. که

به عنوان عمل نادرست و غیر منصفانه - اعمال فشار از خارج با حيله پيشدستي كردن بر، شكلي از فريب دادن و معمولاً اگر چه نه همیشه امتیاز شخصی که بوسیله طرف خطا کار بدست آورده می‌شود، توصیف شده است. مثالهایی وجود دارند: اجبار اراده یک شخص دارای عقل ضعیف بوسیله ادعای داشتن نیروهای خارق‌العاده، گرفتن امتیاز از خانمی که از وابستگی شدید مذهبی رنج می‌برد یا شخصی که به راست بودن پیغامها از طرف مرده که به وسیله ارواح منتقل می‌شود، ایمان دارد - سوء استفاده نمودن از ترس یک پسر که از وضعیت سلامتی پدرش نگران است. (Furmston. MP, ۱۹۹۱. ۳۱۶ p).

بنابراین در اعمال نفوذ ناروای واقعی، شخص بایستی چنان تسلط و کنترلی بر روی ذهن و اراده طرف دیگر داشته باشد که استقلال در تصمیم‌گیری به طور اساسی آسیب بیند و این تسلط برای انعقاد معامله باشد. در این صورت معامله به علت اعمال نفوذ ناروای قابل ابطال خواهد بود. (Beatson. J, op.cit, p ۲۷۹).

بنابراین برای استناد به اعمال نفوذ ناروای واقعی موارد زیر بایستی توسط خواهان اثبات شود.

۱- طرف قرارداد بایستی قابلیت اعمال نفوذ بر روی طرف دیگر را داشته باشد.

۲- اعمال نفوذ فوق بایستی اعمال شود.

۳- اعمال نفوذ بایستی ناروا باشد.

۴- اعمال نفوذ بایستی متوجه آن قرارداد خاص باشد.

پس از اثبات موارد فوق، قرارداد به علت اعمال نفوذ ناروا واقعی قابل ابطال است و نیازی به اثبات روابط خاص بین طرفین و سوء استفاده از آن روابط نیست.

اعمال نفوذ ناروای واقعی در پرونده‌هایی مانند Williams V. Bayley و Norton V. Reilly و Smith V. Kay مطرح شده است.

اعمال نفوذ ناروای واقعی بخودی خود جبران خسارت اعطا می‌نماید و ضروری نیست که معامله مورد نظر به طور آشکار برای شخص اعمال نفوذ شده زیانبار باشد. درحالی‌که هم چنان که بعداً خواهیم دید در اعمال نفوذ ناروای فرضی اثبات چنین زیانی برای ابطال معامله لازم و ضروری است. (Beatson. J, op.cit, p ۲۷۹, Elliott Catherine And Quinn Frances ۲۰۰۱. ۱۸۱ p).

با ملاحظه نظرات و آرای دادگاه‌ها معلوم می‌شود که در اعمال نفوذ ناروای واقعی هر چند ممکن است معامله

۱- Leading cases.

ناشی از اعمال نفوذ ناروا برای شخص خواهان ابطال معامله زیانبار نیز باشد ولی اثبات زیانبار بودن معامله برای ابطال معامله لازم و ضروری نیست.

در واقع اعمال نفوذ ناروای واقعی تا حدودی شبیه اکراه است ولی به علت اینکه شرایط اکراه را ندارد، اکراه نیست مثال برای این تشابه این است که شخص در مقابل شخص دیگر به علت تهدید به تعقیب کیفری تعهد پرداخت مبلغی پول می نماید. این مثال اکراه نیست چون ما نمی توانیم بگوییم که مکره هیچ جایگزین عملی ندارد یا فشار اعمال شده نا مشروع است. اما آن تعهد غیر منصفانه است و نمی تواند تایید شود. (Elliott Catherine , op.cit , p ۱۸۱.)

این نوع از اعمال نفوذ ناروا (واقعی) امروز خیلی خیلی نادر اتفاق می افتد چون که یک نزدیکی (اختلاط) مداوم این قسمت با اکراه وجود دارد. یک مثال از این مورد در پرونده Flower V. sadle (۱D Q BD) (۱۸۸۲) ۲۱۳. Cited In: Richards. Pual H, op.cit, p ۵۷۲) دیده می شود جایی که تعهد به پرداختن مبلغی پول بوسیله تهدید به تعقیب جزائی بدست آورده شده بود. رأی داده شد که آن تعهد به خاطر اعمال نفوذ ناروا باطل باشد امروزه چنین عملی در قلمرو اکراه قرار می گیرد. (Richards. Paul H, op.cit, p ۲۱۳.) بنابراین با ملاحظه نظرات و آرای فوق می توان گفت که امروزه اکثر موارد اعمال نفوذ ناروای واقعی، موضوعی اکراهی تلقی می شوند و به علت گسترش دایره اکراه، حوزه اعمال نفوذ ناروای واقعی کاهش یافته است؛ لذا این نوع از اعمال نفوذ ناروا کمتر اتفاق می افتد.

گفتار دوم: اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع اول (روابط خاص)

درحالی که مقوله های روابط خاص منحصر نیستند، انواع خاصی از روابط به طور خودکار مستلزم وجود اعمال نفوذ ناروا است. برای مثال رابطه بین امین و ذینفع، وکیل و موکل، والدین و بچه، رهبر و ناصح مذهبی و مرید و عضو کلیسای بخش (۲۱۴. ۲۱۳. op.cit, pp.)

اگر طرفین در زمان معامله در رابطه خاص امانی با طرف دیگر هستند، اعمال نفوذ ناروا فرض می شود. بار اثبات دعوی بر عهده طرفی است که منفعت را کسب نموده تا متقاعد کند که دعوا فارغ از اعمال نفوذ ناروا بوده است. در پرونده «powell V. powell» (۱۷۳. p, ۱۹۶۸, Guest. A.G, Cited In: Ch. ۲۴۳, [۱۹۰۰]) یک مصالحه ارادی به وسیله دختر در اثر اعمال نفوذ نامادری اش به نفع فرزندان نامادری منعقد شد. قاضی فارول^۱ گفت: «بر طبق منابع معتبر برای من بنظر می رسد که مسأله فشار واقعی یا حيله - امتیاز ناروا یا فقدان اطلاع از اثر سند وجود ندارد. و صرف وجود رابطه امانی فرض را ایجاد می نماید. و باید این فرض بوسیله متهم رد شود حتی اگر طرفی که خواهان ابطال نمودن معامله است نتواند اثبات کند که اراده اش صرفاً «یک وسیله (کانال) بی بوده که از طریق آن اراده خواننده اعمال شده است.» او تنها با اتکاء به فرض مستحق ابطال و فسخ معامله خواهد گردید. (Guest. A.G, , op.cit, pp. ۱۷۳ , ۱۷۴.)

در این نوع اعمال نفوذ ناروا روابط خاص به عنوان یک امر حکمی به فرض اعمال نفوذ ناروا منجر می شود. برای طرف درخواست کننده ابطال معامله ضروری نیست که ثابت کند که او در واقع به طرف دیگر امید و اعتماد داشته است. در چهارچوب این گروه از پرونده ها، نظر داده شده که فرض اعمال نفوذ ناروا بین والدین و بچه، قیم و مولی

۱. Farwell.

علیه، روحانی و مرید - دکتر و مریض، وکیل و موکل - امین و مالک واقعی اعمال می‌شود. این فرض به تعدادی از معاملات البته نه همه معاملات بین نامزدها اعمال می‌شود. بنابراین آن به مصالحه‌یی که پیش از ازدواج ایجاد می‌شود که بوسیله آن همسر موافقت می‌کند که در ازای پرداخت فوری و کم از مبالغ بزرگی که باید به او به‌عنوان یک بیوه تعلق گیرد، دست بکشد، اعمال می‌شود و این فرض به بخشش حلقه نامزدی گراف قابل اعمال نخواهد بود. قاعده نمی‌تواند بین شوهر و همسر و مابین کارفرما و کارگر اعمال شود. این قاعده نمی‌تواند به همه روابطی که امانی هستند در مفهومی که آنها به وظیفه افشاء منتهی می‌شوند، اعمال شود. بنابراین آن نمی‌تواند بین نماینده و اصیل اعمال شود. قاعده ممکن است حتی بعد از اینکه رابطه متوقف شده است نیز اعمال شود اگر اعمال نفوذ ادامه پیدا کند برای مثال بین وکیل و موکل سابق و بین والدین و بچه برای زمانی کوتاه بعد از این که بچه به سن قانونی می‌رسد اما نه به محض این که بچه از کنترل خانوادگی آزاد می‌گردد. حتی ازدواج فرزند نمی‌تواند مطلقاً این اثر را داشته باشد. (, pp. ۳۷۸ , ۳۷۹. ۱۹۹۵ Treitel. G.H)

فرض اعمال نفوذ ناروا نمی‌تواند اعمال شود حتی اگر یک رابطه خاص نتواند معامله مورد نظر را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین پیشنهاد شده است که فرض قابل اعمال نخواهد بود، اگر وکیل اسبی را از موکلی که او را برای اقامه دعوی افترا وکیل گرفته بود، بخرد. (Treitel. G.H, op.cit , p ۳۸۱)

پس صرف وجود رابطه خاص بین طرفین معامله موجب ابطال قرار داد نخواهد شد، اگر آن رابطه تأثیری در معامله مورد نظر نداشته باشد.

گفتار سوم: اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع دوم (روابط مبتنی بر اعتماد واقعی)

جایی که فرض به عنوان امر حکمی قابل اعمال نیست معذالک یکی از طرفین می‌تواند بر اساس واقعیات خاص هر پرونده (اوضاع و احوال خاص هر پرونده) اثبات نماید که او به طرف دیگر اعتماد نموده است که در اثر این اعتماد فرض اعمال نفوذ ناروا مطرح می‌شود. (Beatson. J, op.cit, p ۲۸۰)

بنابراین زیان دیده قادر خواهد بود معامله را صرفاً با اثبات اینکه او به شخص متخلف اعتماد کرده است، ابطال نماید. بدون اینکه به اثبات اعمال نفوذ ناروای واقعی نیاز باشد. (Richards. Paul H, op.cit. p ۲۱۴)

رابطه شوهر و همسر یک مثال خوب از مقوله روابطی است که در چهارچوب قسمت دوم نوع اول قرار می‌گیرد که بخودی خود اعمال نفوذ ناروا وجود ندارد. بلکه بایستی به‌عنوان یک موضوع اثبات شود. این امر در پرونده‌های

Bank Of V. Stuart ((۱۹۱۱) AC ۱۲۰, Cited In: Richards. Paul H, op.cit, p ۲۱۴.)
Montreal و Howes V. Bishop ثابت شده است (Richards. Paul ۲ KB ۳۹۰, Cited In: (۱۹۰۹)
(Richards. Paul H, op.cit, p ۲۱۴.) و دوباره در پرونده Midland Bank Plc V. Spephard (۳ ALL ER) (۱۹۸۸)
(Richards. Paul H, op.cit, p ۲۱۴.) تأیید شده است. در پرونده Kingsnorth V. Bell
Trust Ltd همسر قادر به اثبات اعمال نفوذ ناروا به این صورت بودی که شوهر به‌عنوان نماینده بانک در ایجاد توافق همسر برای معامله خاص تلقی شد. مشابهاً در پرونده BCCI V. Aboody یک همسر برای ابطال مسئولیت در برابر بانک در مورد معامله ضمانت که همسر برای انعقاد معامله بوسیله شوهر اغوا شده بود، قادر شد بر این مبنا که بانک واقعاً یا ضمناً از اقدامات شوهر در اعمال نفوذ ناروا بر روی همسرش یا تدلیس در مورد میزان مدیونیت همسر به بانک آگاهی داشته است. (Richards. Paul H,) ۴۲۳, Cited In: ALL ER ۱ (۱۹۸۶)

در این گروه از پرونده‌ها رابطه باید رابطه‌یی باشد که در آن طرف متقاضی ابطال قرار داد در حقیقت به طرف دیگر امید و اعتماد داشته است. بنابراین آن برای آن طرف که اثبات نماید که رابطه به نوع و طبقه کلی از انواع توصیف شده بالا تعلق دارد. حقیقت امر این است که او باید به عنوان امر موضوعی اثبات کند که به طرف دیگر اعتماد و امید داشته یا آن طرف بر او تسلط پیدا کرده است. اگر او این امر را اثبات کند تأثیر اعمال نفوذ ناروا بر معامله خاص فرض خواهد شد.

در واقع این فرض به تمام روابط گوناگونی که در آنها تسلط بوسیله یک شخص بر روی شخص دیگر اعمال می‌شود، قابل اعمال است. بنابراین جایی که مرد جوانی در حین مشکلات مالی در صدد کسب مشاوره از فامیل خیلی مجرب بر می‌آید که او خودش مال فرد جوان را به یک سوم بهای مناسب می‌خرد و جایی که یکی از اعضای کمیته تأسیس شده برای ایجاد مرکز فرهنگی مسلمانان در لندن بوسیله یک عضو شریک برای خریدن خانه دیگری از او برای این هدف به قیمتی که به طور فزاینده‌یی از قیمت بازاری اش بیشتر است، وادار شد، معامله بر مبنای این که خواندگان موفق به رد فرض اعمال نفوذ ناروا نشده‌اند، ابطال شد. (Guest. A.G., op.cit. p ۱۷۶)

با ملاحظه نظرات حقوقدانان و آرای دادگاه‌ها می‌توان گفت که در اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع دوم خواهان ابطال معامله بایستی اثبات نماید که به طرف دیگر (اعمال نفوذ کننده ناروا) اعتماد و اطمینان نموده است و صرف اثبات وجود رابطه (مثل رابطه زن، شوهر، بانکدار و مشتری و غیره) برای اثبات اعمال نفوذ ناروا کافی نیست بلکه بایستی اثبات شود که در این روابط یک طرف به طرف دیگر اعتماد نموده و از این اعتماد سوء استفاده نیز شده‌است.

در اعمال نفوذ ناروای فرضی شرط دیگری نیز وجود دارد و آن اینکه دعوا برای ابطال معامله بر مبنای اعمال نفوذ ناروای فرضی پذیرفته نخواهد شد مگر اینکه معامله برای شخص خواهان به طور آشکار زیانبار باشد. این شرط اولاً مشکوک و مبهم بوده. ثانیاً: از پرونده مورگان اخذ شده است. (Beatson. J , op.cit, p ۲۸۲.)

این نوع اعمال نفوذ در پرونده‌های *Loyds Bank Ltd V. Bundy* و پرونده *Royal Bank of Scotland V. Morgan* مطرح شده است.

اگر طرف مقابل اعمال آزادانه اراده مستقل را اثبات کند، فرض اعمال نفوذ ناروا رد می‌شود. معمول‌ترین روش انجام این کار این است که ثابت کند که طرف دیگر مشاوره مستقل پیش از انعقاد معامله دریافت داشته است. اما صرف این موضوع که مشاوره مستقل داد شده، ضرورتاً معامله را نجات نخواهد داد بلکه مشاوره باید شایسته و مبتنی بر آگاهی از تمام حقایق مربوطه باشد. هم چنین پیشنهاد شده است که مشاوره مستقل باید هم چنین معامله را تأیید کند و باید از مشاوره او پیروی شود. این امر ممکن است ضروری باشد جایی که مخصوصاً اعمال نفوذ قوی است یا جایی که بخشش خیلی بزرگ انجام شود. اما این امر در هر مورد ضروری نیست. در واقع هیچ قاعده ثابت وجود ندارد که مشاوره مستقل برای نجات معامله ضروری است اگر شخص ذینفع تضمین نکرد که چنین مشاوره داده شده است، عنصر احتیاط را از دست خواهد داد. (Treitel. G.H , op.cit.P۳۸۱)

لذا برای رد اعمال نفوذ ناروای فرضی (نوع اول و دوم) بایستی اثبات شود که شخص زیان دیده با اراده آزاد و فارغ از هر اعمال نفوذ عمل نموده و معمولی‌ترین روش اثبات این امر این است که فرد مزبور مشاوره مستقل با

آگاهی از تمام واقعیات دریافت داشته است و در برخی موارد مانند هبه و وجود اعمال نفوذ قوی، این مشاوره بایستی پیروی هم بشود و مشاوره باید معامله را تأیید کند. اگر اوضاع و احوال خاص هر پرونده ثابت نماید که واهب اراده خود را آزادانه اعمال نموده است، فرض اعمال نفوذ ناروا رد خواهد گردید اگرچه مشاوره مستقل داده نشده باشد و در صورت وجود مشاوره مستقل به مشاوره مزبور اهمیتی داده نشده است.

مبحث سوم: معاملات نامعقول در حقوق انگلستان:

قبل از بررسی معاملات نامعقول در حقوق انگلستان بایستی بیان داشت که در حقوق انگلستان اصطلاح «Necessity» به معنای اضطرار، نیاز، احتیاج و ضرورت می‌باشد. (فرهنگ حقوقی مدین، همان منبع، ص ۴۹۷). و در حقوق انگلستان در مبحث شبه جرم اضطرار و ضرورت تنها به‌عنوان یکی از طرق معافیت از جبران خسارت با حصول شرایطی می‌باشد. (t. p ۱۹۸.۱۹۸۹C.F. pad Field, Law made simple)؛ لذا اضطرار در حقوق انگلستان موجب بطلان یا قابل ابطال بودن معامله نیست. ولی مصداقهای اضطرار در حقوق ما که موجب بی‌اعتباری عقد نیست، در حقوق انگلستان تحت قالب معاملات نامعقول در اکثر موارد موجب بی‌اعتباری (قابل ابطال بودن) عقد خواهد شد.

حتی در صورت فقدان اعمال نفوذ ناروای واقعی یا فرضی، گاهگاهی انصاف به معاملات نامعقول به‌علت اینکه یک طرف از ضعف طرف دیگر سوء استفاده نموده، جبران خسارت اعطا می‌نماید. (Birks. Peter , English , Private Law, Volume II , Oxford , ۲۰۰۰ , p ۷۹). مبحث معاملات نامعقول اغلب با اکراه و اعمال نفوذ ناروا در یک مبحث در حقوق انگلستان مورد بررسی قرار می‌گیرد و تشابهات فراوانی مخصوصاً با اعمال نفوذ ناروا دارد، لذا ما نیز به تبعیت از حقوقدانان انگلیسی معاملات نامعقول را نیز مورد بررسی قرار می‌دهیم.

گفتار اول: معاملات جذاب^۱

یکی از موارد معاملات نامعقول، معاملات جذاب است. معامله جذاب معامله‌ای خاص است که در آن به‌علت وجود اوضاع و احوال خاص، طرف قویتر بر روی طرف ضعیف تر کنترل و سلطه دارد. نمونه چنین معاملاتی، معاملات وراثت منتظر است. انصاف به وراثت منتظر یعنی اشخاصی که منتظر ارث بردن مالی هستند که در صورت مرگ شخصی این امر محقق خواهد شد (ارث بردن)، جبران خسارت اعطا می‌نماید. (Beatson. J, op.cit, p ۲۸۷).

معامله جذاب، معامله‌ای است که در آن جنسی معمولاً به قیمت ارزان به کسی فروخته می‌شود و در حالت عادی فروختن جنس به قیمت ارزان موجب ابطال معامله نیست و طرف قرارداد خود باید منافع خویش را تأمین نماید ولی اگر یک طرف معامله وراثت منتظر باشد، فرض می‌شود که از فرد مزبور امتیاز ناروا اخذ شده است. لذا شخصی که امتیازی را بدست آورده، بایستی اثبات نماید که معامله منصفانه بوده است والا معامله ابطال خواهد شد.

گفتار دوم: معامله با اشخاص بی‌سواد و فقیر:

انصاف معمولاً از شخصی که اعمال ابلهانه انجام می‌دهد، حمایت نمی‌نماید ولی انصاف در مواردی که اشخاص فقیر و جاهل (بی‌سواد) به‌علت فقدان مشاوره مستقل فریب خورده‌اند، حمایت می‌نماید. معاملات اشخاص فقیر و

^۱.Catching Bargains.

بی سواد زمانی قابل حمایت است که متضمن ضرری بوده و طرف مقابل منفی به ناروا کسب نموده باشد همانند مورد اول در این موارد شخص متفع بایستی اثبات نماید که معامله منصفانه بوده است والا معامله ابطال خواهد شد. (Beatson. J , op.cit , pp ۲۸۷ , ۲۸۸.)

بنابراین همانند معاملات جذاب در معاملات اشخاص بی سواد و فقیر نیز برای اینکه جبران خسارت توسط دادگاه انصاف اعطا شود، شرایطی لازم است که این شرایط عبارتند از اولاً: از اشخاص فقیر و بی سواد امتیاز نا عادلانه و غیر منصفانه اخذ شده است.

ثانیاً: عوض معامله کافی نیست.

ثالثاً: فقدان مشاوره حقوقی مستقل.

با اثبات موارد فوق توسط شخص بی سواد و فقیر، شخص متفع بایستی اثبات نماید که معامله منصفانه و عادلانه و معقولانه بوده است والا ابطال خواهد گردید.

گفتار سوم: نابرابری قدرت معامله‌یی:

تعدادی از بیانات قضایی حاکی از آن است که اگر شخصی از طرف دیگری امتیاز نا عادلانه کسب نماید، آن قرارداد ممکن است به علت وجود نابرابری قدرت معامله‌یی بین طرفین ابطال شود. (Treitel. G.H , op.cit. p ۳۸۲.)

البته دیدگاه غالب در حقوق انگلیس این است که جبران خسارت بر مبنای نابرابری قدرت معامله‌یی به طور کلی و عمومی در دسترس نیست. (Birks. Peter , op.cit, p ۷۹.)

اصل نابرابری قدرت معامله‌یی طرفین اولین بار بوسیله لرد دنینگ در پرونده Bundy علیه Loyds Bank Ltd بیان شده است. او به تعدادی از قواعد (قبلاً در این مورد بحث شد) که بر مبنای آن قانون جبران خسارت علیه قراردادهای نا عادلانه می‌دهد، اشاره کرده و از آنها قاعدی کلی استخراج می‌کند که «..... حقوق انگلیس جبران خسارت می‌دهد به هر شخصی که بدون مشاوره مستقل، بر مبنای شرایطی که خیلی نا عادلانه هستند، قرار دادی منعقد کرده یا اموال را در برابر عوضی که به طور آشکار نابرابر است منتقل می‌کند، زمانی که قدرت معامله‌یی اش شدیداً به دلیل احتیاجات یا امیالش یا به وسیله جهل یا ناتوانی اش به علاوه اعمال نفوذ ناروا و یا فشار ناروایی که بر او بوسیله دیگری یا برای منفعت دیگری وارد شده است، آسیب دیده است» استخراج می‌کند. (Treitel. G.H , op.cit. p ۳۸۴ , ۳۸.)

لرد دنینگ معتقد است که اصل نابرابری به اشخاص جبران خسارت (حق ابطال قرارداد) طبق شرایط زیر اعطا می‌نماید.

اولاً: شرایط معامله نا عادلانه و غیر منصفانه است یا مالی به قیمت ارزان فروخته شده است.

ثانیاً: معامله بدون کسب مشاوره مستقل منعقد شده است.

بنابراین اگر یکی از این شروط مفقود باشد، اصل مزبور طبق عقیده لرد دنینگ قابل اعمال نیست ولی این اصل توسط دادگاه‌ها پذیرفته نشده است و دادگاه‌های انگلیس معتقدند که نیازی به این اصل برای اعطای جبران خسارت نیست چون تأسیس‌های دیگر مانند اکراه اقتصادی و اعمال نفوذ ناروا و غیره این جبران خسارت را اعطا می‌نماید.

مبحث چهارم: اثر اعمال نفوذ ناروا بر معاملات و موانع آن در حقوق انگلستان

در این مبحث که شامل سه گفتار مجزا می باشد، اثر اعمال نفوذ ناروای معامله در گفتار اول، با اثبات دعوی در گفتار دوم، موانع جبران خسارت طی چهار بند در گفتار سوم مورد بررسی قرار گرفته است.

گفتار اول: اثر اعمال نفوذ ناروا بر معاملات

در خصوص اثر اعمال نفوذ ناروا بر معاملات در حقوق انگلستان بایستی گفت: اجماع آرای دادگاه‌ها و نظریات حقوقدانان انگلیسی بر آن است که معامله قابل ابطال است نه باطل.

بنابراین اثر اعمال نفوذ ناروا برقرار داد این است که به جای «باطل نمودن»^۷ قرارداد، آنرا «قابل ابطال»^۸ می‌سازد. در نتیجه زیان دیده بایستی اقداماتی را برای ابطال قرار داد بوسیله فسخ آن انجام دهد. (Richards. Paul H, op.cit. p ۲۳۵. Treitel. G.H. op.cit. p ۳۸۴. Furmston. M.P. op.cit.p ۳۲۰, Guest. A.G., op.cit, p ۱۷۸, Beatson. J, op.cit, P ۲۸۴, Keenan. Denis, op.cit, P۱۳۲, Amblin. C.H, Wright F.B, Introduction To Commercial Law, Second Edition, Sweet & Maxwell, London, ۱۹۸۲, p. ۷۷.) به عبارت دیگر جایی که اعمال نفوذ ناروای واقعی اثبات می‌شود یا جایی که اعمال نفوذ فرض می‌شود و اعمال نفوذ ناروا نمی‌تواند بوسیله طرف قرارداد (خواننده) رد شود، معامله قابل ابطال است. (Willmott. Lindy, op.cit, p ۵۲۳.)

در واقع جبران خسارتی که انصاف به معامله ناشی از اعمال نفوذ ناروا اعطا می‌نماید، قابل ابطال بودن معامله است. بر این اساس شخص خواهان (زیان دیده) می‌تواند معامله مزبور را فسخ نماید. ملاحظه می‌شود اثر اعمال نفوذ ناروا بر معاملات در حقوق انگلستان مانند اثر اکراه بر معامله در حقوق انگلستان می‌باشد و هیچ فرقی در این خصوص با همدیگر ندارند. در حالی که اثر معامله اکراهی در حقوق ایران عدم نفوذ است نه قابل ابطال بودن معامله.

گفتار دوم: بار اثبات دعوا

جایی که روابط خاص (مانند رابطه والدین و فرزند) و روابط مبتنی بر اعتماد واقعی (مانند روابط زن و شوهر) ادعا می‌شود. بار اثبات اینکه آن رابطه وجود دارد بر عهده طرفی است که ابطال قرار داد را درخواست می‌کند. (شخص زیان دیده) به محض اینکه این بار دلیل توسط طرف انجام شد، بر عهده طرف ذی نفع قرار داد است که فرض اعمال نفوذ ناروا را رد نماید. (Treitel. G.H, op.cit, p ۳۸۰.)

در اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع اول (روابط خاص) مانند رابطه بین والدین و فرزند و وکیل و موکل فرض اعمال نفوذ ناروا از صرف وجود روابط مزبور استنباط می‌شود و نیازی نیست که زیان دیده اثبات نماید که در واقع به طرف دیگر اعتماد کرده است و تنها کاری که خواهان بایستی انجام دهد، این است که این روابط را اثبات نماید و با اثبات این روابط اعمال نفوذ ناروا فرض می‌شود مگر اینکه خواننده فرض مزبور را رد نماید.

در اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع دوم (روابط مبتنی بر اعتماد واقعی)، فرض اعمال نفوذ ناروا از این ایجاد می‌شود که خواهان (زیان دیده) اثبات می‌نماید که در واقع به شخص متخلف اعتماد کرده است. پس از اثبات اعمال نفوذ ناروا، بار اثبات به خواننده منتقل می‌شود که او نیز بایستی فرض اعمال نفوذ ناروا را رد نماید. والا معامله به درخواست خواهان ابطال خواهد شد.

در اعمال نفوذ ناروای واقعی از آنجا که روابط امانی بین طرفین وجود ندارد؛ لذا زیان دیده (خواهان) بایستی اثبات نماید که خواننده اعمال نفوذ ناروا را بر روی وی برای انعقاد معامله معین، اعمال نموده است و پس از اثبات اعمال نفوذ ناروا توسط خواهان، معامله قابل ابطال است مگر اینکه طرف مقابل اثبات نماید، اعمال نفوذ ناروا همانند اکراه علت قرار داد نبوده است.

۱. Void.

۲. Voidable.

گفتار سوم: موانع جبران خسارت:

جبران خسارت برای اعمال نفوذ ناروا به دلایل مشابهی که طبق آنها حق فسخ برای تدلیس ممنوع می‌شود، ممنوع می‌گردد که در این موارد معامله مزبور نمی‌تواند توسط زیان دیده فسخ گردد. این موارد عبارتند از ۱ - عدم امکان استرداد ۲ - تأیید معامله ۳ - تأخیر ۴ - حقوق شخص ثالث که ذیلاً هر یک را به تفصیل مورد بررسی قرار خواهیم داد.

بند اول - عدم امکان استرداد: برای اینکه معامله بتواند فسخ شود بایستی طرفین به وضعیت اولیه و ابتدایی خود برگردانده شوند و هر طرفی باید آنچه را که دریافت داشته، مسترد نماید. (Beatson. J, op.cit, p ۲۸۴)
در پرونده‌های اعمال نفوذ ناروا طرفی که خواهان ابطال قرار داد است، باید منافعی که او بر اساس قرارداد بدست آورده، استرداد کند و به او ممکن است اجازه داده شود علیرغم این موضوع که او نمی‌تواند استرداد دقیق انجام دهد، قرار داد را ابطال نماید تا آنجا که قاعده انصاف می‌تواند یک نتیجه‌ای که تقریباً منصفانه است، بدست آورد. این موضوع (ابطال قرارداد علیرغم عدم امکان استرداد دقیق) می‌تواند در پرونده management Agency & music ltd علیه o'sullivan نشان داده شود (Beatson. J, op.cit, p ۲۸۴).

بند دوم - تأیید معامله: یک دعوا برای جبران خسارت بر مبنای اعمال نفوذ ناروا بوسیله تأیید معامله بعد از اینکه اعمال نفوذ یا رابطه منجر به فرض اعمال نفوذ متوقف شد، ممنوع می‌شود. این امر در نظر گرفته شده است که تأیید حتی اگر بدون مشاوری مستقل و با جهل به حق فسخ معامله انجام شود، موثر است. درحالی‌که امروزه حقوق باید در این موضوع با قاعده‌یی که در پرونده‌های تدلیس و نقض وجود دارد، هماهنگ شود که بر طبق آن قاعده تأیید بر آگاهی شخص زیان‌دیده از حق فسخ، نیاز دارد. (Treitel. G.H , op.cit. p ۳۸۵)

به عبارت دیگر قراردادی که به وسیله اعمال نفوذ ناروا منعقد شده نمی‌تواند بعد از تأیید اعم از صریح یا ضمنی فسخ شود، همچنانکه در پرونده skinner علیه All card دیده شد. (Furmston. MP, op.cit. p ۳۲۰)
در حقوق انگلستان اگر معامله توسط زیان دیده تأیید شود، دیگر معامله قابل فسخ نیست البته تأیید صحیح دارای شرایطی است که عبارتند از:

۱- تأیید بایستی پس از زوال اعمال نفوذ ناروا یا رابطه منجر به اعمال نفوذ ناروا انجام شود والا حق فسخ باقی خواهد بود.

۲- تأیید بایستی مبتنی بر آگاهی شخصی زیان‌دیده از حق انصافی خود (حق فسخ) باشد یعنی خواهان مطلع باشد که حق فسخ قرار داد را دارد والا در صورتی که آگاهی از حق فسخ خود نداشته باشد، تأیید مزبور صحیح نخواهد بود.

۳- تأیید بایستی صریح یا ضمنی باشد تأیید صریح مانند اینکه بگوید. من معامله را تأیید نمودم. تأیید ضمنی آن است که شخص بدون گفتن عبارت «تأیید نمودم» معامله را تأیید می‌نماید که این هم بر دو نوع است. اول: فعلی را انجام می‌دهد که این فعل تأیید ضمنی معامله است مثل اینکه در مال موضوع قرارداد تصرفاتی انجام می‌دهد. دوم: اینکه در ابطال معامله تأخیر می‌نماید که این تأخیر در اعمال حق تأیید ضمنی معامله است که در بند بعدی بتفصیل بررسی خواهد شد.

بند سوم - تأخیر: زیان دیده اعمال نفوذ ناروا باید جبران خسارت (فسخ معامله) را در زمانی معقول بعد از برطرف شدن اعمال نفوذی که بر طبق آن بخشش انجام شده است، درخواست کند. اگر او با اطلاع از حقوقش، از

درخواست جبران خسارت کوتاهی کند، فرض می‌شود که معامله را تأیید کرده است. (Treitel. G.H , op.cit.) (p ۳۸۵).

بند چهارم - حقوق شخص ثالث: از آنجا که معامله ناشی از اعمال نفوذ ناروا قابل ابطال است نه باطل؛ لذا اشخاص ثالثی که منافی در موضوع قرارداد در مقابل عوض و با حسن نیت کسب می‌نمایند، بوسیله شخصی که درخواست فسخ معامله را می‌نماید، نمی‌توانند پس زده شوند. (Betason. J, op.cit, p ۲۸۶) به عبارت دیگر شخص زیان دیده نمی‌تواند موضوع معامله را از شخص ثالثی که با حسن نیت بوده و معامله معوض انجام داده، استرداد نماید. ولی اگر معامله ناشی از اعمال نفوذ ناروا باطل بود، شخص زیان دیده می‌توانست موضوع معامله را از شخص ثالث استرداد نماید حتی اگر شخص ثالث با حسن نیت بوده و عوضی نیز داده باشد.

بنابراین قراردادی که بین شخص الف و ب بوسیله اعمال نفوذ ناروا توسط شخص الف منعقد شده، بوسیله فسخ علیه اشخاص ثالثی که حقوقی را در مقابل عوض و بدون آگاهی از واقعیات تملک نموده‌اند، ابطال نمی‌شود. (Keenan Denis, op.cit, p. ۱۳۲).

قراردادی که در نتیجه اعمال نفوذ ناروای طرف قرارداد منعقد می‌شود نه تنها در قبال شخصی که اعمال نفوذ را اعمال نموده، قابل ابطال است بلکه علیه شخص ثالثی نیز که از اعمال نفوذ ناروا مطلع بوده، قابل ابطال است. پول یا مال نه تنها از شخص اعمال نفوذ کننده قابل استرداد است بلکه از شخص ثالثی که عوضی در مقابل مال نداده است نیز قابل استرداد است هرچند که شخص ثالث از اعمال نفوذ ناروا مطلع نیز نباشد. (Betason. J, op.cit, p ۲۸۶).

حسن نیت در حقوق شخص ثالثی که مالی به وی از طریق شخص اعمال نفوذ کننده منتقل می‌شود، نقش اساسی بازی می‌کند. به عبارت دیگر اگر شخص ثالث از اعمال نفوذ ناروا مطلع نباشد، با حسن نیت تلقی شده و معامله علیه وی ابطال نخواهد شد. در حالی که اگر شخص ثالث مطلع از اعمال نفوذ ناروا باشد، با حسن نیت تلقی نشده و معامله حتی علیه وی قابل ابطال خواهد بود. هم چنین معوض بودن معامله شخص ثالث با شخص اعمال نفوذ کننده نیز نقش اساسی در ابطال یا عدم ابطال معامله دارد چون اگر شخص ثالث موضوع معامله را در مقابل عوضی از شخص اعمال نفوذ کننده دریافت داشته باشد و مطلع از اعمال نفوذ ناروا نباشد، معامله در قبال وی قابل ابطال نیست ولی اگر شخص ثالث عوضی نداده باشد معامله حتی اگر ثالث مطلع از اعمال نفوذ نیز نباشد، قابل ابطال است. پس معوض بودن و مطلع نبودن شخص ثالث از معامله ناشی از اعمال نفوذ ناروا دو شرط لازم و ضروری برای عدم ابطال قرارداد در مقابل شخص ثالثی است که حقوقی در موضوع قرارداد کسب نموده است.

فصل دوم: مقایسه اعمال نفوذ ناروا در انگلستان با حقوق ایران

درفصل دوم که شامل دومبحث مجزای باشد، اعمال نفوذ ناروا درحقوق انگلستان بامعاملات اضطراری اکرایی درحقوق ایران درمبحث اول واعمال نفوذ ناروا درحقوق انگلستان بااکراه درحقوق ایران درمبحث دوم موردبررسی تطبیقی قرارگرفته است

مبحث اول: مقایسه اعمال نفوذ ناروا در حقوق انگلستان با معاملات اضطراری اکرایی در حقوق ایران:

اثر اکراه بر معاملات در حقوق ایران طبق مواد ۱۹۹ و ۲۰۹ ق.م عدم نفوذ عقد اکرایی است و اثر اضطرار بر معاملات، صحت معامله می‌باشد.

اکراه مندرج در حقوق مدنی در جامعه امروزی کمتر اتفاق می‌افتد و از سوی دیگر اضطرار نیز هیچ گونه نقشی در عدم صحت معامله و خودداری زورگویان ندارد. ولی خیلی از معاملات هستند که تحت تأثیر گونه بی فشار منعقد می‌شوند که از یک طرف داخل در قلمروی اکراه قرار نمی‌گیرند و از سوی دیگر وارد نمودن آنها در قلمرو اضطرار، دست افراد زورگو را بازتر خواهد نمود؛ لذا یا بایستی چاره بی اندیشید و این معاملات را با تفسیر موسع داخل در عقود اکرایی نمود یا اینکه قانون مدنی را در خصوص اکراه و اضطرار اصلاح کرد، امری که تاکنون اتفاق نیفتاده است. ولی در حقوق انگلستان در جهت جبران خسارت زیان دیدگان دادگاه‌های انصاف تأسیسی بنام اعمال نفوذ ناروا غیر از اکراه ایجاد نموده‌اند که مواردی که در قالب اکراه قرار نمی‌گیرند با قاعده اعمال نفوذ ناروا به زیان دیده حق فسخ اعطا نمایند که در مباحث قبلی در این خصوص مفصلاً بحث نمودیم.

متأسفانه رویه قضایی کشور ما بر خلاف رویه قضایی انگلستان در خصوص توسعه قلمرو اکراه یا مضیق نمودن قلمرو اضطرار قدمی برنداشته است و اصولاً ما در خصوص اکراه و اضطرار رویه قضایی مناسبی نداریم و قانونگذاران و رویه قضایی ما بایستی با توجه به تغییر شیوه‌های تهدید در جامعه امروزی، راه حل مناسبی برای آن پیدا نمایند. چون در جامعه امروزی هیچ کس، شخص دیگر را با تهدید به قتل یا ضرب و شتم و افشای سری مجبور به انعقاد قرارداد نمی‌نماید و فشارها اکنون خیلی پیچیده و غیر مستقیم و ماهرانه بکار می‌روند و در نهایت رضایت شخص را از بین برده و فرد اجباراً به منعقد نمودن قرارداد راضی می‌شود.

در این مبحث ما در صددیم که معاملات اضطراری را که از وضعیت مضطر سوء استفاده شده یا ایجاد وضعیت اضطراری توسط طرف دیگر بقصد وادار نمودن وی به انعقاد معامله می‌باشد، مورد بررسی قرار دهیم و این معاملات را در حقیقت اکرایی تلقی نماییم نه اضطراری؛ لذا عنوان این مبحث معاملات اضطراری اکرایی است یعنی معاملات اضطراری که به علت بهره برداری نامشروع از وضعیت مضطر بایستی اکرایی تلقی نمود.

گفتار اول: معاملات اضطراری اکرایی در حقوق ایران

همان طور که می‌دانیم اضطرار عیب رضا نبوده و معامله اضطراری نیز صحیح است و مضطر مکره محسوب نمی‌شود (ماده ۲۰۶ ق.م) ولی آیا همیشه این طور است. آیا در حالتی که شخص عمداً حالت اضطرار را به وجود می‌آورد تا فرد را به انجام معامله خاصی اجبار کند و یا شخصی که از اضطرار ایجاد شده سوء استفاده می‌کند، معامله مزبور صحیح است. برای مثال، مسافری که توسط اشخاصی ربوده شده است از رهگذری در خواست کمک می‌کند و به‌ناچار برای راضی نمودن وی مبلغی گزاف را به عنوان پاداش بر عهده می‌گیرد، یا حالتی که شخصی دیگری را تهدید به دادن پول نماید تا از این طریق او مجبور شود که خانه‌اش را به او بفروشد و تنها راه رفع تهدید (تهیه پول) فروش خانه می‌باشد و فرد مکره از این مسأله مطلع باشد یا مادری تنها فرزند خود را در خطر مرگ می‌بیند و از تنها جراحی که در دسترس او می‌باشد، درخواست کمک می‌کند ولی پزشک مزبور، با آگاهی از وضع ویژه مادر در مانده مبلغ گزافی دستمزد پیشنهاد می‌کند و مادر به‌ناچار قبول می‌کند... در این سه مثال در ظاهر هیچ نوع تهدیدی برای اجبار شخص به تعهد بکار نرفته است ولی آیا رضای وی به معاملات مزبور سالم است و عدالت با صحت معاملات مزبور سازگار است.

بنظر برخی از حقوقدانان اگر چه اضطرار را متعامل ایجاد نموده باشد تا معامل را وادار به انجام آن معامله نماید چنانچه هر گاه کدخدای قریه آب به بستان رعیتی ندهد و درختان میوه نیاورد و در اثر آن صاحب بستان پریشان و درمانده شده و بستان خود را به کدخدای مزبور بفروشد تا زندگی خود را بگذراند معامله مزبور صحیح است هر چند که فرد متعامل اضطرار را ایجاد نموده و از آن سوء استفاده نموده باشد. (دکتر امامی سید حسن، حقوق مدنی، جلد اول، ص ۱۹۴، بروجردی عبده، محمد، حقوق مدنی، ص ۱۱۷).

ولی یکی از حقوقدانان کشورمان معتقد است که در صورت سوء استفاده از اضطرار اکراه تحقق می‌پذیرد پس بنظر ایشان بایستی شرایط تحقق اکراه را آسان نمود تا بتوان این گونه موقعیتها را در قالب اکراه قرار داد. (کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، همان منبع، ج ۱، ص ۵۱۱)

«بنظر می‌رسد که اگر طرف قرارداد یا شخص خارجی موقعیت مضطر را وسیله وارد ساختن فشار بر او قرار دهد، اکراه تحقق می‌پذیرد و قرارداد را غیر نافذ می‌کند. (کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، ص ۵۱۱)

در خصوص سوء استفاده از اضطرار یا اضطرار اکراهی تنها يك ماده در حقوق موضوعه ما وجود دارد که از این ماده می‌توان در جهت به رسمیت شناختن اضطرار اکراهی و تمایز آن با اضطرار ساده (ماده ۲۰۶ ق.م) و ملحق نمودن آن به اکراه یا نهادی مشابه آن که باعث عدم تنفیذ یا بطلان قرار داد مزبور شود، استفاده فراوان نمود. ماده مزبور ۱۷۹ قانون دریایی ایران می‌باشد که مقرر می‌دارد: «هر قرارداد کمک و نجات که در حین خطر و تحت تأثیر آن منعقد شده و شرایط آن به تشخیص دادگاه غیر عادلانه باشد، ممکن است به تقاضای هر يك از طرفین به وسیله دادگاه باطل یا تغییر داده شود...»

بنظر برخی از حقوقدانان می‌توان مبنای حکم را در موارد مشابه نیز مورد استفاده قرار داد و به عنوان قاعده بکار برد. و ضمانت اجرای سوء استفاده از اضطرار، چه در مورد تغییر قرارداد و چه درباره ابطال آن بوسیله دادگاه، با قواعد عمومی مدنی تفاوت دارد و از حقوق فرانسه اقتباس شده است. و این ماده نشان می‌دهد که قانونگذار ما به مرز قاطع و سنتی اکراه و اضطرار پای بند نیست و حداقل سوء استفاده از اضطرار را در نفوذ عقد موثر می‌بیند؛ گامی که منطق حقوق را به سوی «عدالت» می‌برد و بر دامنه اکراه می‌افزاید. (همان منبع، ج ۱، ص ۵۱۲).

هر چند ماده ۱۷۹ فقط مربوط به قرارداد کمک و نجات دریایی با شرایط بالا می‌باشد ولی از ملاک این ماده می‌توان در سایر قراردادهایی که نمی‌توان در قلمرو اکراه قرارداد استفاده نمود و در صورت ناعادلانه بودن آن بوسیله دادگاه آن را تعدیل و باطل نمود. غیر عادلانه بودن قرارداد در تحقق اکراه نقشی ندارد بلکه آنچه مسلم است معیوب شدن رضا است. در حالی که در تحقق ضمانت اجرای ماده ۱۷۹ ناعادلانه بودن شرط تحقق تغییر یا بطلان قرارداد کمک و نجات دریایی می‌باشد.

پس از ذکر موارد فوق باید گفت که در حقوق موضوعه راه حل مشخصی برای جلوگیری از سوء استفاده از اضطرار یا اضطرار اکراهی پیش بینی نشده است ولی حقوقدانها با الهام از قواعد حقوقی و مبانی فقهی راه‌هایی در این زمینه ارائه نموده‌اند که برخی نادرست و برخی صحیح بوده و برخی در بعضی از موارد صحیح و در بعضی از موارد نادرست می‌باشند که به علت جلوگیری از اطاله کلام فقط به ذکر عنوان آنها بسنده می‌شود.

۱- استناد به خیار غبن

۲- توسل به قاعده رفع

۳- دلیل لاضرر

۴- قاعده نفي عسر و حرج

۵- استناد به نظم عمومی و اخلاق حسنه

۶- استناد به ماده ۱۷۹ قانون دریایی ایران

۷- اصول قراردادهای تجاری بین المللی

۸- تسهیل شرایط تحقق اکراه

پس با ملاحظه مطالب فوق می‌توان گفت که معامله اکراهی در حقوق ایران غیر نافذ است و معامله اضطراری نیز طبق ماده ۲۰۶ ق.م.صحيح است ولي اگر شخصي از اضطرار عارض شده بر مضطر سوء استفاده نماید یا اضطرار را عمداً ایجاد نموده باشد تا از این موقعیت سوء استفاده نماید، این اضطرار اکراهی می‌باشد که اگر در قالب ماده ۱۷۹ قانون دریایی ایران قرار گیرد تکلیف مسأله معلوم است و به درخواست طرف زیان دیده دادگاه قرارداد را باطل یا تغییر (تعدیل) خواهد نمود ولي اگر مشمول ماده ۱۷۹ قانون دریایی ایران نباشد راه حل‌های متعددی جهت جبران خسارت شخص در نظر گرفته شده است که فوقاً عنوان گردید. مهمترین آنها که در حقوق موضوعه نیز مستند قانونی دارند ۱- تسهیل شرایط اکراه می‌باشد. لذا ماده ۲۰۶ ق.م. که معامله اضطراری را صحيح می‌داند شامل معامله اضطراری اکراهی نبوده و معامله مزبور اکراهی بوده و مشمول ماده ۱۹۹ و ۲۰۹ ق.م. می‌باشد ۲- استناد به خيار غین (مواد ۴۱۶ به بعد قانون مدنی) ۳- استناد به نظم عمومی و اخلاق حسنه (مواد ۹۷۵ و ۱۰ ق.م) که از میان سه راه حل فوق راه حل اول جامع و مانع بوده و با اصول حقوقی سازگارتر می‌باشد و با قبول این راه حل دیگر نیازی به اصلاح مقررات اکراه و اضطرار احساس نمی‌شود.

مبحث دوم: مقایسه اعمال نفوذ ناروا در انگلستان با اکراه در حقوق ایران

گفتار اول: مقایسه اعمال نفوذ ناروای واقعی با اکراه در حقوق ایران:

در زمانهای قدیم که يك نزدیکی (اختلاط) مداوم ما بین اعمال نفوذ ناروای واقعی با اکراه در حقوق انگلستان وجود داشت، به‌عنوان مثال در پرونده Flower V. sadle دیده‌شد، جایی که تعهد به پرداختن مبلغی پول بوسیله تهدید به تعقیب جزائی بدست آورده شد بود، رأی داده شد که آن تعهد به‌خاطر اعمال نفوذ ناروا باطل باشد، (Richards. Paul H, op.cit. p ۲۱۲) می‌توانستیم بگوییم که اعمال نفوذ ناروای واقعی در برخی موارد با اکراه در حقوق ایران یکی است، هم‌چنان که در پرونده فوق بیان شد. ولي از آنجا که امروزه چنین پرونده‌هایی در حقوق انگلستان در قلمرو اکراه قرار می‌گیرد؛ لذا نمی‌توان گفت که اعمال نفوذ ناروای واقعی حتی در برخی موارد نیز با اکراه در حقوق ایران یکی است؛ لذا رابطه بین آنها تباین است.

گفتار دوم: مقایسه اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع اول (روابط خاص) و نوع دوم (روابط مبتنی بر اعتماد

واقعی) با اکراه در حقوق ایران:

در این خصوص بایستی گفت که از آنجا که برای تشکیل اکراه در حقوق ایران انجام تهدید (چه مثبت و چه منفی) ضروری است و از سوي دیگر در اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع اول و دوم – هم‌چنان که در مباحث قبلی گفتیم – هیچ‌گونه تهدیدی وجود ندارد بلکه فقط سوءاستفاده از رابطه امانی فی‌مابین است؛ لذا می‌توان گفت که هیچ‌گونه ارتباطی مابین اکراه در حقوق ایران با اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع اول (روابط خاص) و نوع دوم (روابط مبتنی اعتماد واقعی) وجود ندارد.

نتیجه

در حقوق انگلستان اعمال نفوذ ناروا همانند اکراه عیب رضا است و اصل رضایت آزاد را از بین می‌برد. در اعمال نفوذ ناروای واقعی هیچ نوع رابطه خاصی بین طرفین وجود ندارد به‌طوری‌که هیچ نوع سوء استفاده از اعتماد خاص وجود ندارد و سوء استفاده در خارج از روابط خاص و امانی است.

در اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع اول، انواع خاصی از روابط به‌طور خودکار مستلزم وجود اعمال نفوذ نارواست مانند رابطه بین وکیل و موکل، والدین و بچه، امین و ذینفع، قیم و مولی‌علیه، روحانی و مرید و پزشک و مریض (اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع اول). ولي جایی که هیچ نوع رابطه خاصی وجود ندارد، زیان دیده می‌تواند وجود يك رابطه‌یی که در آن او به خطا کار اعتماد کرده است، اثبات نماید (نوع دوم اعمال نفوذ ناروای فرضی). رابطه شوهر و همسر يك مثال خوب از مقوله روابطی است که در چهارچوب این قسمت قرار می‌گیرد

در اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع اول و دوم اگر طرف مقابل اعمال آزادانه اراده مستقل را اثبات کند، فرض اعمال نفوذ ناروا رد خواهد شد. معمولی‌ترین روش اثبات اعمال آزادانه اراده مستقل آن است که طرف مقابل ثابت کند که زیان دیده مشاوره مستقل پیش از انعقاد معامله دریافت داشته است و مشاوره مزبور باید کامل و مبتنی بر آگاهی از تمام حقایق مربوطه باشد.

اثر اعمال نفوذ ناروا بر قرارداد در حقوق انگلستان این است که به جای بطلان قرارداد، آنرا قابل ابطال می‌سازد، در نتیجه زیان دیده بایستی اقداماتی را برای ابطال قرارداد بوسیله فسخ آن انجام دهد. بنابراین معلوم می‌شود که اثر اعمال نفوذ ناروا بر معامله در حقوق انگلستان مانند اثر اکراه بر معامله در حقوق انگلستان می‌باشد و آن قابل ابطال بودن معامله ناشی از اعمال نفوذ ناروا است در حالی که اعمال نفوذ ناروا در حقوق ایران وجود ندارد و اثر اکراه نیز در حقوق ایران عدم نفوذ است نه قابل ابطال بودن معامله.

هم چنین بایستی گفت که اکراه مندرج در قانون مدنی ایران و انگلستان کمتر اتفاق می‌افتد؛ لذا پیشنهاد می‌شود که بایستی مقررات اکراه اصلاح گردد. این امر در حقوق انگلستان با ایجاد تاسیس اعمال نفوذ ناروا توسط دادگاه‌های انصاف انجام شده است ولی در حقوق ایران این اقدامات انجام نگردیده است و محاکم ما نیز به این علت برخورد مناسبی بازو رگویان حرفه‌ای ندارند. چون اکراه مندرج در قانون مدنی سنتی بوده و جوابگویی شیوه‌های نوین تهدید که اغلب پیچیده و غیر مستقیم می‌باشند و مشمول اکراه مندرج در قانون مدنی نمی‌باشند، نیست و از سوی دیگر اضطرار نیز موجب عدم نفوذ عقد نیست؛ لذا پیشنهاد می‌شود که مقررات اکراه و اضطرار کشورمان مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد و از تجربیات کشورهای دیگر من جمله حقوق انگلستان استفاده گردد ولی از آنجاکه تاکنون این اصلاحات اتفاق نیفتاده، بایستی دایره مفهوم اکراه را با تفاسیر حقوقی گسترش داده و برخی معاملات اضطراری را داخل در قلمرو اکراه نماییم. از این معاملات تحت عنوان معاملات اضطراری اکراهی بحث نموده ایم؛ لذا درحالی که شخص عمداً حالت اضطراری را ایجاد نموده تا از این موقعیت سوءاستفاده نماید یا حالتی که شخص وضعیت اضطراری را عمداً ایجاد نکرده است ولی از این اضطرار ایجاد شده سوء استفاده نموده، داخل در قلمرو اکراه می‌باشد.

معاملات اضطراری اکراهی در حقوق ایران تشابهاتی با اعمال نفوذ ناروا دارد و آن این است که در هر دو مورد سوء استفاده وجود دارد ولی سوء استفاده در معاملات اضطراری اکراهی، سوء استفاده از وضعیت مضطر است ولی در اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع اول و دوم، سوء استفاده از رابطه امانی فی‌مابین است و از سوی دیگر هیچ‌گونه تشابهی مابین اکراه در حقوق ایران با اعمال نفوذ ناروا در حقوق انگلستان نمی‌توان یافت و هر دو دارای ماهیتهای متفاوت هستند.

هم چنین برخی از معاملات نامعقول در حقوق انگلستان مانند معامله با اشخاص بی‌سواد و فقیر و معامله جذاب می‌توانند تشابهاتی با معاملات اضطراری اکراهی در حقوق ایران داشته باشند.

منابع فارسی

- ۱- امامی سید حسن، حقوق مدنی، کتابفروشی اسلامیة، جلد ۱، چاپ هشتم، سال ۱۳۷۲.
- ۲- بروجردي عبده محمد، حقوق مدنی، کتابفروشی محمد علی علمی، تهران، ۱۳۲۹ ه.ش.
- ۳- حبییم سلیمان، فرهنگ انگلیسی، فارسی حبییم، چاپ سوم، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۳.
- ۴- رضانی نوری محمود، فرهنگ حقوقی انگلیسی، فارسی مدین، چاپ چهارم، چاپ دژ، ۱۳۸۰.
- ۵- رنه داوید، نظامهای بزرگ حقوقی معاصر، ترجمه دکتر سید حسین صفائی، دکتر محمد آشوری، دکتر عزت الله عراقی، چاپ دوم، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، سال ۱۳۶۴ ه.ش.
- ۶- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد اول، چاپ سوم، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۳.
- ۷- گروه مؤلفان، فرهنگ حقوقی انگلیسی، فارسی مجد، چاپ اول، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۷۸.

- ۱- Amblin. C.H, Wright. F.B, Introdution To Commercial Law Second Edition, Sweet & Maxwell, London, ۱۹۸۲.
- ۲- Beatson. J, Anson's Law Of Contract, ۲۷Th Edition, Oxford University Press, Combridge, ۱۹۹۸.
- ۳- Birks. Peter, English Private Law , Volume II, Oxford, ۲۰۰۰.
- ۴- Blum, Brian A, Contracts – Examples And Explanation, Second Edition, Aspen Law & Business, London, ۲۰۰۱.
- ۵- Elliott Catherine And Quinn Frances, Contract Law, Third Edition, Longman, London, ۲۰۰۱.
- ۶- Furmston. M.P, Cheshire, Fifoot And Furmston's Law Of Contract, Twelfth Edition, Butterworth. London, ۱۹۹۱.
- ۷- Guest A.G And Others, Chitty On Contracts. Volume I, General Principles, Sweet & Maxwell, London, ۱۹۶۸.
- ۸- Hornby AS & Ruse Christina, Oxford Student's Dictionary Of Current English, Second Edition, Oxford University Press, ۱۹۸۸.
- ۹- Keenan Denis, Advaced Buisness Law, Eleventh Edition, Longman, London, ۲۰۰۰.
- ۱۰- MARTIN. ELIZABET H, Oxford dictionary of law, Fourth Edition , Oxford University Press, ۱۹۹۷.
- ۱۱- padfield. C.F, Law Made Simple, Seventh Edition, London ۱۹۸۹.
- ۱۲- Richards. Paul H, Law Of Contract, Fourth Edition, Finacial Times, London, ۱۹۹۹.
- ۱۳- Treitel G.H, The Law Of Contract, Ninth Edition, Sweet & Maxwell, London, ۱۹۹۵.
- ۱۴- Willmott, Christensen, Butler, Contract Law, Frist Published Oxford University Press, ۲۰۰۱.